



۲۰۱۴/۰۶/۰۹



قيس کبير

نگاهی بر چند نوشته

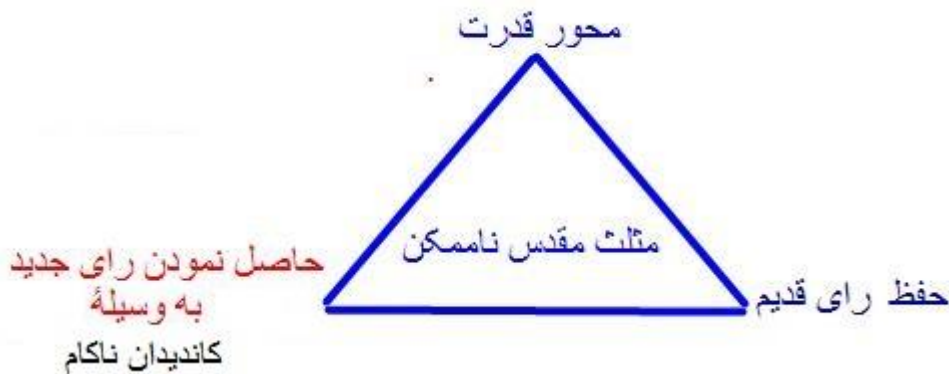
محمد علی سمیع

لینک مقاله شان < عبدالله عبدالله و اشرف غنی در بحران- مثلث مقدس ناممکن

گرچه انتخاب رئیس جمهور در سرزمینکه چهار دهه تحت نظام قوماندان سالاری فرهنگ صادق بودنش را از دست داده است، انتخابات سالم جای ندارد. ولی با آنهم نوشته محترم علی سمیع تحت عنوان «عبدالله عبدالله و اشرف غنی در بحران- مثلث مقدس ناممکن» را طوری تیوریک نظر اندازی میکنیم که چگونه این مثلث ناممکن را مثلث ممکن نشان بدهیم.

بنظر محترم علی سمیع کاندید های ریاست جمهوری که برای رئیس جمهور شدن مبارزه میکنند، در میان "مثلث مقدس ناممکن" (اول محور قدرت دوم حفظ رای قدیم سوم حاصل نمودن رای جدید بوسیله کاندیدان ناکام) قرار دارد و این مثلث چنان که از نامش معلوم میشود، ناممکن میباشد و برای گام نهادن به پیش، کاندیدان پیشتاز مجبور هستند تا از یک ضلع آن "مثلث مقدس ناممکن" بگذرند و با انتخاب دو ضلع باقی مانده، وارد دور دوم انتخابات شوند که در حقیقت این یک بحران تصمیم گیری برای کاندیدان پیشتاز میباشد.

حال نمیدانیم که کاندیدان پیشتاز چطور میتوانند با تقسیمات جدید خود، آنعه بانک های رای که در دور اول باعث پیشتازی شان شده بودند، را چنان در پهلوی خود نگاه دارند تا واقعاً مرکز قدرت بودن خود را و میزان رای قدیم خود را بدون تغییر برقرار داشته آرای کاندیدان مطرح دیگر را هم از آن خود سازند؟"



باید خاطر نشان کرد که نظر صائب جناب هاشیمیان در موضوع بسیار روشن و بجا بوده است که:

شخص کاندید ناکام دو لب تیز و برنده دارد که میتواند سبب از دست دادن رای قدیمه شده، و از جانب دیگر محور قدرت را تضعیف سازد که در آینده برای پیاده کردن برنامه هایش بندش دست خواهد بود زیرا کاندید ناکام با دخالت سلیقه خویش گره و مشکل تازه در امور خلق خواهد کرد و نظام آینده را از حالت شفافیت بیرون خواهد ساخت.

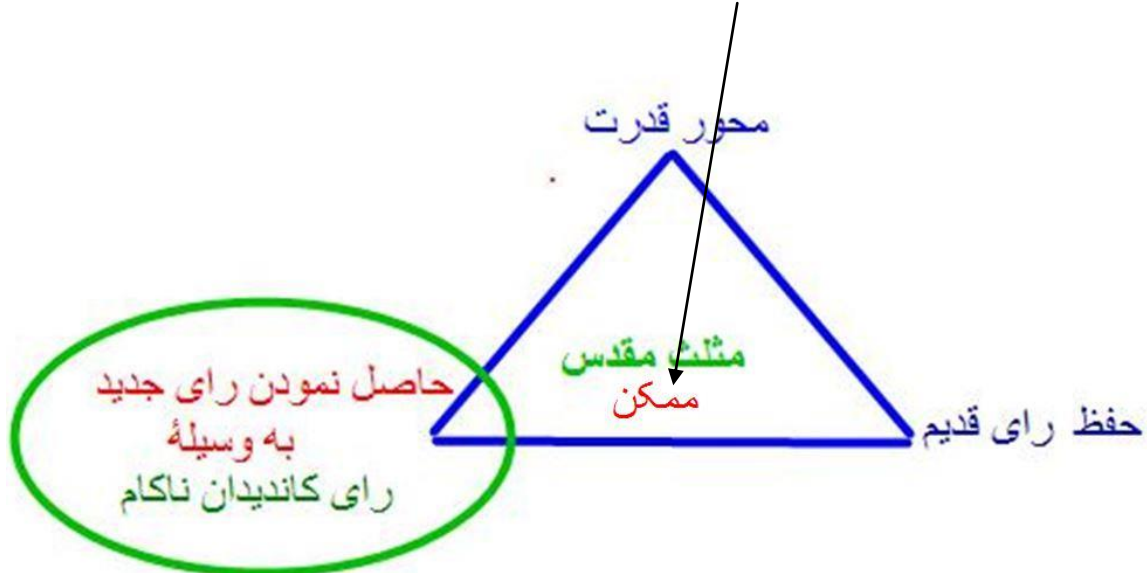
یک کاندید می تواند با قبول بدنامی ها در انتخابات برنده شود، ولی عمر و اقتدار حکومت او دیرپا بوده نمی تواند باشد، زیرا لب دیگر کارد تیز و برنده به ضد خود او در حرکت خواهد افتاد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

پس چگونه یقین پیدا کنیم که این مثلث ناممکن را ممکن سازیم. و آنهم در صورتیکه بجای شخص کاندید ناکام از رای، رای دهندگان قبلی او استفاده بجا صورت گیرد، نتیجه آن برای کاندید موفق بسیار بهتر و کارا تر از آن است تا خود کاندید ناکام را درتصامیم نظام آینده شریک سازد. بطور مثال بجای پذیرفتن خود کاندید ناکام اگر اشخاص که قبل از ناکامی برای او رای داده اند و اصلاً که بعد از ناکامی برای او حاضر به دادن رای نخواهند بود، ازینرو اگر از چنین برگشتگان رای او غرض تقویه موقف خود استفاده گردد، بسیار مطلوب و بجا خواهد بود که همان مثلث نامقدس ناممکن را، مثلث مقدس ممکن بسازد.



برای روشن ساختن موضوع به یک مثال اکتفا میکنیم مثلاً تیم آقای گل آقای شیرزی بعد از ناکامی زمانیکه خواست با تیم دیگری ملحق شود رایدهنگان از او برگشتند. همچنان طرفداران نادر نعیم و دیگران...

ف، هیرمند ⁱ

لینک مقاله شان < حکمروای حرفه بی و حکمروای آماتور:

مقاله آقای ف، هیرمند تحت نام حکمروای حرفه ای و حکمروای آماتور یکی از مقالات نمونه است با پیام زنده، که چون آینه میتوان در آن چهره دو کاندید پیشتاز را بوضاحت دید که کدام کاندید سیاست مدار آماتور و شوقی میباشد و کدام یک سیاست مدار حرفه بی.

همچنان این مقاله درین زمینه به انسان کمک میکند که تحلیل گران مسائل سیاسی افغانستان کی آماتور بوده و موضوع را بدون در نظر داشت شرایط زمان و مکان و ابعاد مختلف یک پدیده سیاسی، اجتماعی را، با ذهنی گری و هواپندی ارزیابی میکند، و نتایج را مطابق سلیقه و پیش فرض های از قبل مدنظر داشته، اعلام میدارد، بدون آنکه با واقعیت اوضاع و خواست جامعه همخوانی داشته باشد، که اینچنین شوقی ها نمیتواند جای یک تحلیلگر حرفه را اتخاذ نماید.

محمد نعیم بارز ⁱ

لینک مقاله شان < دوکتور عبدالله لذت قدرت را چشیده فشارش را هم خواهد چشید!

نوشته آقای بارز به همسان میدیای ایرانی، برای داکتر عبدالله تبلیغ میکند.

زیرا:

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

1. عنوان به صورت غیر مستقیم برای خواننده میگوید که عبدالله عبدالله به قدرت میرسد ویا رسیده است، و اگر نرسیده باشد از کجا خواهد توانست مزه قدرت را بچشد؟ و اگر رئیس جمهور نه شده باشد، به چه صورتی لذت فشار را خواهد چشید، بناً وی عبدالله را مثل رسانه های پاکستان قبلاً به ریاست جمهوری تقرر داده است.

2. و چه خوب دلیل و ارقام را به نفع موصوف جمع کرده ودر نوشته خود گنجانیده است، در دور اول او 45 فیصد آرا بدست آورد، و بعد برای دور دوم، آقای زلمی رسول (کاندید پیشکرده «زعیم!!» کرزی) با 11 فیصد خود به او پیوست ودر نتیجه او 56 فیصد را دارا شد، پس رئیس جمهور شد.

و برای اطمینان!! هم افزوده است که اتحاد دیگر جناح ها و اشخاص باعث کم شدن تمایل فدرالیزم میشود. و در اول نوشته خود برای اینکه ادعای خود را در دفاع از پیروزی داکتر عبدالله بلا منازعه ساخته باشد از نگاه «اخلاقی!!» آرای مردم را قابل احترام دانسته است.

خطوط اساسی نوشته تبلیغاتی شما آقای بارز همین مطالبی است که در فوق توضیح شد، این مطالب برای همه آشناست زیرا اینها همه شعار های کمپاین مبارزات انتخاباتی داکتر عبدالله میباشد، مگر با یک تفاوت و آن اینکه حتی آنها تا حال عبدالله عبدالله را رئیس جمهور نمی دانند زیرا که هنوز مرحله دوم انتخابات را نبرده است، یعنی تا اکنون مردم در دور دوم انتخابات به وی رأی نداده اند، او تا حال رئیس جمهور نیست که برای او راه و چاه لذت و ذلت را خاطر نشان داد زیرا چنین رویه هم مغایر «اخلاق» مدنی است، چه نقش تعیین کننده مردم را در امر انتخاب رئیس جمهور بی ارزش میسازد، تا زمانی که یک شخص توسط مردم با فیصدی لازم انتخاب نشده باشد او هنوز رئیس جمهور نیست و لذا او را در این درجه ورتبه تعیین نمودن خلاف اصول و«اخلاق» انتخاباتی و مغایر تمام روش های دیموکراسی است که شما را غیر حرفه ای نشان میدهد، در حالیکه وانمود کردن مردم مبنی بر اینکه فاقد توانایی انتخاب رئیس جمهور هستند، جز بی ارزش شمردن مردم، معنی دیگری ندارد.

در این موضوع که عبدالله عبدالله را پیش از پیش رئیس جمهور اعلام کرده و مردم را هیچ شمرده است در جای دیگر نیز نیت او بر بیهوده شمردن شرکت مردم در دور اول انتخابات و اشتیاق ملی و وطنی مردم ما را کم بها داده، برای من این طرز تفکر قابل مکث است. زیرا این کیفیت کثیر نه بخاطر یک لقمه نان خطر جان کرده اند بلکه برای نجات سرزمین شان با اشتیاق صف عظیم را تشکیل دادند که غیر از جناب بارز دیگر تمام قلمبدستان با اندیشه های مخالف این حرکت را یک حماسه ملی دانسته اند.

اما با آقای بارز توافق دارم که افغانستان بیک فرد ناجی و زعیم ملی نیاز ندارد. مگر بخاطری اینکه ایشان شاروال کابل را در مقالات بیشتر شان از مبنای آماتوری منحیث زعیم همیشه قلمداد کرده اند ودر آخر کار دوباره مثل امریکایی ها برخلاف فیصله بن به شورای نظار زمام کشور را تقدیم میدارند؟؟؟.

آقای بارز با این موضع گیری خود ابراز نموده تا عبدالله عبدالله را برکسی قدرت افغانستان ببیند بدون آنکه رنج و درد 30 میلیون افغان مصیبت دیده را در عهد حاکمیت عبدالله عبدالله در دهه 90 قرن بیستم مدنظر گرفته باشد.

پایان